

بحران نمایندگی سیاسی تهدیدی برای امنیت ملی

معنای انتخابات مجلس در ایران چیست؟



محمد رهبری

جامعه‌شناس و پژوهشگر شبکه‌های اجتماعی

دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران با مشارکت ۴۱درصدی مردم پایان یافت. این انتخابات، اولین انتخابات پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ بود و از این جهت، افکار عمومی و نیروهای سیاسی به نتایج آن توجه ویژه‌ای داشتند. در این انتخابات، پایین‌ترین میزان مشارکت در انتخابات مجلس در ادوار مختلف رقم خورد.

انتخابات دوره قبل (پانزدهم) مجلس با مشارکت ۴۲/۵درصدی مردم، آن هم در شرایط انتشار اخبار غیررسمی شیوع کرونا در کشور، به پایان رسیده بود و حالا در شرایطی که خبری از کرونا نیست، باز هم مشارکت کمتر از انتخابات قبلی مجلس بوده است. این انتخابات سومین انتخابات پیاپی است که کمتر از ۵۰ درصد از مردم ایران در آن مشارکت می‌کنند؛ پیش از این در سال۱۳۹۸، فقط ۴۲/۵درصد از مردم در انتخابات مجلس و در سال ۱۴۰۰ نیز ۴۸/۸درصد از مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرده بودند و حالا مشارکت در این انتخابات به ۴۱درصد رسیده است. اعداد و ارقامی که بیانگر سطحی از نارضایتی نسبت به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در میان مردم ایران است. اما عمیق‌تر شدن در آمار و اعدادانتخاباتی بیانگر نوعی «بحران نمایندگی سیاسی در ایران» نیز هست. برای بررسی این موضوع، انتخابات مجلس در شهرها و استان‌های ایران را باید به دوسه‌تسه تقسیم کرد. نخست تهران، پایتخت ایران و کلان‌شهرهای با جمعیت بالای یکمیلیون نفر که انتخابات در آن عمدتاً متأثر از عوامل کلان است؛ دوم انتخابات در سایر شهرها و روستاها در سراسر کشور که متأثر از عوامل و انگیزه‌های قومی و منطقه‌ای است و بسیاری از نامزدهای انتخابات مجلس، یک قوم یا گروه خاص در آن منطقه را نمایندگی می‌کنند.

به‌طور طبیعی به‌دلیل اختلافات قومی و منطقه‌ای، رقابت در روستاها و شهرهای کوچک بیشتر است و در نتیجه مشارکت در انتخابات هم بیشتر؛ هرچند در این انتخابات مشارکت در این مناطق نیز کمتر از گذشته بوده است. در بسیاری از این مناطق، نفر اول انتخابات با رأی بسیار کمتری از دوره‌های قبل انتخاب شده است. اما آنچه از منظر نمایندگی سیاسی اهمیت دارد در کلان‌شهرها بروز پیدا می‌کند. در کلان‌شهرها وضعیت از این لحاظ معنادارتر است؛ به‌طور مثال در حوزه انتخابیه شیراز، که شهری چندمیلیونی است ویک میلیون و ۳۹۰هزار نفر در آن حق رأی داشته‌اند، نفر اول فقط با ۷۸ هزار رأی وارد مجلس شده و تنها ۵درصد از مردم این شهر به او رأی داده‌اند؛ و یادر حوزه انتخابیه اصفهان با بیش از دو میلیون جمعیت، نفر اول فقط ۱۵۰ هزار رأی آورده است و در بهترین حالت نمایندگی ۱۰ درصد از مردم این حوزه انتخابیه را به‌دست آورده باشد. در حوزه انتخابیه تهران نیز

نفر اول تنها نمایندگی ۷درصد از واجدین شرایط رأی دادن را به‌دست آورده است؛ این اعداد برای سایر نفراتی که در کلان‌شهرها رأی آورده‌اند به مراتب کمتر است. امری که بیانگر نوعی بحران نمایندگی است. به‌عبارت دیگر حتی کسانی که به‌عنوان نماینده مردم انتخاب می‌شوند در عمل بیش از ۹۰درصد از مردم را نمایندگی نمی‌کنند و نمایندگی بخش قابل‌توجهی از مردم را ندارند. در سوی دیگر، موضوع رأی باطله، یعنی رأی‌هایی که یا سفید است یا مخدوش یا حاوی اسامی افرادی غیر از نامزدهای انتخابات است، در این انتخابات یک مسئله مهم بوده است. در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ برای اولین بار رأی باطله اهمیت خودشان را نشان دادند؛ زمانی که نزدیک به چهار میلیون رأی باطله در سراسر کشور به صندوق‌ها ریخته شد. اگر ابراهیم رئیسی را استثنا کنیم، این میزان رأی باطله بیش از آرای سایر نامزدهای انتخاباتی در آن زمان بود. در این انتخابات نیز آرای باطله حجم قابل‌توجهی را به‌خود اختصاص داده است. هنوز آمار رسمی و دقیق آن از سوی وزارت کشور مشخص نشده؛ اما آمار پراکنده اعلامی راجع به حجم آرای باطله نشان می‌دهد که بسیاری از مردمی که در انتخابات شرکت کردند نیز حاضر به انتخاب هیچ‌یک از نامزدها نشده‌اند. این نوع رفتار رأی‌دهندگان نیز به‌نوعی رأی اعتراضی تعبیر شده است و نشان می‌دهد که در میان نامزدهای انتخاباتی به کسی اعتماد ندارند. چه‌سا همین روند در برگزاری انتخابات باعث شده تا اعتماد به نهادهای سیاسی نظیر مجلس، در میان مردم بسیار پایین باشد. مجموعه این مسائل بیانگر آن‌است که بسیاری از پرندگان انتخابات مجلس، در عمل ناتوان از نمایندگی مردم هستند و به‌نظر می‌رسد اعتماد به چهره‌های سیاسی و نمایندگان در حال کاهش است. به‌طور کلی در شرایط فقدان شفافیت و گسترش شایعات و اخبار جعلی عملاً امکان اعتماد به نیروهای سیاسی، خصوصاً نیروهای باسابقه کمتر شده و نیروهای جدید یک‌شبه در سیاست ظهور پیدا می‌کنند. همین امر در خصوص انتخابات در تهران کاملاً قابل مشاهده است؛ جایی که لیست اصلی ومورد ائتلاف جریان اصولگرا چندان توفیقی در انتخابات کسب نکرد و کسانی برنده انتخابات شدند که تا پیش از این در عرصه سیاست چندان جدی گرفته نمی‌شدند. حالا در غیاب عدم مشارکت بسیاری از مردم و حتی گروه‌های سیاسی نظیر اصلاح‌طلبان در انتخابات، که آن هم ریشه در نوعی بی‌اعتمادی به نامزدهای انتخاباتی و نهادهای سیاسی دارد، عملاً کسانی برنده انتخابات شده‌اند که با رویکردهای افراطی خود، در حاشیه سیاست ایران قرار داشتند. در چنین وضعیتی عملاً بحران نمایندگی سیاسی، بیش از پیش خودش را بروز خواهد داد. اگر در گذشته نمایندگان مجلس می‌توانستند ۱۰ تا ۲۰درصد از مردم را نمایندگی کنند، اکنون آن‌ها تنها نماینده ۵ تا ۱۰درصد از مردم خواهند بود و گفتمان، دیدگاه و خواسته‌های اقلیتی کوچک از مردم را نمایندگی خواهند کرد. شرایطی که بحران نمایندگی سیاسی در کنار بحران ناآرامی وجود داشته باشد، مستعد بروز بحران‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی بزرگ‌تر خواهد بود و این وضعیت یک تهدید برای امنیت ملی است.

از میان بجزره

آیا رای فاقد ارزش است؟



مهرداد احمدی شیخانی

روزنامه‌نگار

فرزند یکی از دوستانم قصد مهاجرت دارد. این پسر جوان چند سال پیش و در دوران دانشجویی با یکی از هم‌کلاس‌های خود ازدواج کرد و هر دو ساغافلند. از نتخگان بود، امروز هم خودش و هم همسرش در عرصه مشاغل جدید و مجازی برای خود کاری دارند و متاسفانه با فضای به‌وجود آمده در این چند سال، هر دو به مانند بسیاری دیگر از جوانان، تصمیم به جلا‌ی وطن کرده‌اند و البته خانواده‌شان از این مسئله غمگین، ولی گویا دیگر کاری نمی‌شود کرد و اینان هم به خیل جمع بسیاری که از کشور رفته‌اند، خواهند پیوست. در هر صورت موضوع یادداشت‌م این نیست که حداقل در این ۲۰ سال و به‌خصوص پس از استیلای اندیشه «توهم معجزه هزاره سوم» بر اداره کشور و حالا هم به راه افتادن ریل قطار پیشرفت، گویا دیگر، نغتنها گوششی برای شنیدن چنین فاجعه‌ای وجود ندارد، که شاید اتفاقاً بعضی عمد دارند تا سرمایه اصلی کشور، یعنی نیروی انسانی نخبه و تحصیلکرده، هر طور شده کشور را ترک کنند. بگذریم، گفتن از این موضوع، همچون آن سخن شیخ اجل، سعدی؛ مانند میخ آهنین است که بر سنگ فرو نمی‌رود و گفتنش بی‌ثمر است، که اگر مثمر‌تر بود، بسیار بزرگ‌تر از من در این سال‌ها، هشدار داده‌اند و چاره منطقی آن را هم گفته‌اند و کسی، تره هم برایشان خرد نکرده، پس از این سخن می‌گذرم و بروم بر سر اصل موضوع.

دو‌ستم تماس گرفته بود که فرزندم قصد مهاجرت دارد و برای همین مشغول فروش دارایی‌هایش، از جمله آلبوم سکه خود است و آیا کسی رami شناسی که به‌قیمت آن‌آیا برخرد؟ جوازش دادم که خیر کسی را نمی‌شناسم، ولی مگر آلبوم سکه چه ارزشی دارد و گیرم خریداری هم پیدا شود؛ آخر مگر چقدر بابتش پول می‌دهند که حالا شما روی پول حاصل، در فروش آن حساب باز کرده‌ای؟ که دوستم جواب داد که تو چقدر از مرحله پرستی و مثلاً برای نمونه، یک سکه «یک ربالی» در بین کلکسیون‌دارها وجود دارد که پس از انقلاب ضرب شده و پشت آن تصویر کوه دماوند منقوش است و الان بیش از شش میلیون تومان قیمت دارد. حیرت کردم از این گفته و دوستم اضافه کرد که مثلاً در این آلبوم، سکه‌ای از دوره آلان زاری با نشان «اس اس» داریم که بسیار

۲ تیتریک

HEADLINE ONE

رهبری پس از کاشتن سه نهال از جمله زیتون برای اعلام همبستگی با مردم فلسطین:

حضور مردم در انتخابات جهاد بود

آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: «دشمنان حدود یک‌سال با تبلیغات خود تلاش کردند تا مردم را از حضور در انتخابات منصرف کنند و انتخابات از رونق بیفتد اما مردم با حرکت بزرگ و حماسه‌آمیز خود در ۱۱ اسفند، به‌مواجهه با تلاش دشمنان رفتند، بنابراین، این حرکت یک جهاد بود.»

گروه خبر: مقام معظم رهبری دیروز بعد از کاشت سه اصله درخت که هم‌زمان با روز درختکاری انجام شد، از حضور ملت ایران در پای صندوق‌های رأی در ۱۱ اسفند تشکر کردند و گفتند: «حضور ملت ایران در انتخابات انجام وظیفه اجتماعی و تمدنی و یک جهاد بود.»

وزیر امور خارجه ایران:

رژیم اسرائیل از مجمع عمومی سازمان ملل اخراج شود

گروه خبر: دومین اجلاس اضطراری وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در خصوص فلسطین، روز گذشته در جده برگزار شد و وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران اخراج رژیم صهیونیستی از مجمع عمومی سازمان ملل متحد و جلوگیری از عضویت آن در دیگر نهادهای بین‌المللی را یک اقدام ضروری توصیف کرد.

حسین امیرعبدالهیان، وزیر امور خارجه ایران از کشورهای عضو برای موافقت با درخواست برگزاری این نشست و از دبیرکل این نهاد برای تشکیل فوری این جلسه تشکر کرد و گفت: «در شرایطی که بار دیگر ما شاهد ناتوانی شورای امنیت سازمان ملل در رسیدگی به دیرینه‌ترین و تلخ‌ترین بحران انسانی تاریخ معاصر هستیم، هم‌اندیشی کشورهای اسلامی برای یافتن راه‌های عملی و اتخاذ اقدامات جدی‌تر برای حمایت از مردم فلسطین و کمک به برون‌رفت از وضعیت جاری در این سرزمین بسیار فوری و ضروری است.» او در ادامه به وتوهای آمریکا در شورای امنیت و ممانعت از برقراری آتش بس در غزه اشاره کرد و گفت: «نشست امروز ما در آستانه ماه مبارک رمضان و در شرایطی انجام می‌شود که تداوم نسل‌کشی و وضعیت انسانی در باریکه غزه و جنایات جنگی در کرانه باختری در حال تبدیل شدن به یک فاجعه بی‌سابقه است. ممانعت کاملاً آشکار و عمده‌انه آمریکا از هر گونه اقدام شورای امنیت سازمان ملل برای جلوگیری از جنایات بیشتر رژیم اسرائیل در غزه ثابت می‌کند که امید بستن به آمریکا برای ممانعت از نسل‌کشی جاری یک توهم و بیشتر یک شوخی دیپلماتیک است. آن‌ها خودهدمست و شریک جنایات رژیم اسرائیل هستند

و اشک تمساح ریختن و برخی مواضع به ظاهر انسان دوستانه دولتمردان آمریکا نیز واقعیت را عوض نمی‌کند.»
دیپلمات عالی‌رتبه ایران با بیان اینکه «تلاش این رژیم برای حمله به رفح نیز در همین راستاست» گفت: «البته جای تأسف است که مقامات عالی ایالات متحده آمریکا با مواضع خود عملاً به رژیم صهیونیستی چراغ سبز نشان می‌دهند که حمله نظامی به رفح صورت گیرد.

صدای ناقوس پایان راست سنتی البته از زمستان ۱۳۸۳ شنیده شد که نوآمده‌ها با نماد احمدی‌نژاد شناخته می‌شدند و وقتی او به پاستور رسید، راست سنتی با انتساب او به خودشان کوشیدند سرکنشی را انکار کنند و بگویند گر بر سر خاشاک یکی پشه بچنبد / جنبیدن آن پشه عیان در نظر ماست! یعنی اوضاع تحت کنترل است و جای نگرانی نیست. خود احمدی‌نژاد هم ترجیح داد در دولت اول (۸۴ تا ۸۸) زیاد سر به سر راست سنتی و جریان قدیمی‌تر نگذارد تا حساب خود را با آنان بعدتر صاف کند و در اینجا هم می‌توان از لفظ «تصفیه» استفاده کرد و هم «تسویه». چون دینی داشت و ادا کرد و از آن پس خود طلب‌کار شد.

ربط دادن درگذشت مرحوم امامی‌کاشانی به این قضیه و تأکید بر جنبهٔ تمثیلی و نمادین و سبب آن است که او عضو ارشد جامعه روحانیت مبارز - محوری‌ترین تشکل راست سنتی - بود که اکنون شاید دیگر چهرهٔ محوری قدیمی ندارد و دبیر فعلی هم متعلق به نسل بعدی است و اعضای کهنه‌کاری چون حسن روحانی و ناطق‌نوری نیز سال‌هاست از آن کنار کشیده‌اند و در آرایش سیاسی به بخش اعتدال‌گرا تعلق دارند تا راست سنتی. روزگاری راست سنتی چنان میدان‌دار بود که برای انتخابات ۷۶ ابتدا حزب مؤتلفه ناطق‌نوری را به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری معرفی کرد و سپس تشکل متبوع خود او جامعه روحانیت مبارز و بیا اینکه محمد محمدی‌ری‌شهری دیگر نامزد روحانی، داماد آیت‌الله علی مشکینی رئیس جامعهٔ مدرسین بود اما در نهایت این تشکل هم پشت سر ناطق ایستاد. در هر انتخابات صحبت از «جامعین» می‌شد و مراد از این تعبیر همین دو تشکل سنتی روحانی بود که یکی را در تهران آیت‌الله مهدوی‌کنی هدایت می‌کرد و دیگری را در قم آیت‌الله محمد یزدی.

در زمستان ۸۳ ناطق نوری، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی را تشکیل داد تا نامزد مورد نظر و اجماع را جانشین سیدمحمد خاتمی کند و در نهایت بر سر علی لاریجانی به توافق رسیدند.

این در حالی بود که عضو ارشد جامعه روحانیت مبارز - هاشمی‌رفسنجانی - در اردیبهشت سال بعد خود عزم ریاست‌جمهوری کرد و انتظار داشت این تشکل پشت سر او قرار گیرد اما چنین نشد و در مرحلهٔ اول از علی لاریجانی حمایت

تیتریک

HEADLINE ONE

آمریکا فقط می‌گوید مراقب عدم کشتار بیشتر غیرنظامیان باشید،» امیرعبدالهیان در ادامه گفت: «بی‌تردید هرگونه همکاری اقتصادی با این رژیم و کمک مالی، نظامی یا سیاسی به آن، به معنی همکاری و معاونت عملی در جنایات صهیونیست‌ها و تسهیل تداوم ارتکاب اعمال شنیع آن از جمله در نسل‌کشی فلسطینی‌هاست. ما باید در این نشست ضمن حمایت کامل از اقدام دولت آفریقای جنوبی علیه رژیم آپارتاید اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری، بر قطع کامل هر گونه‌همکاری با این رژیم و تحریم گسترده‌تر کالاهای تولیدی شرکت‌های صهیونیستی تأکید کنیم.»

او خواستار تصویب قطعنامه‌ای کارآمد و انجام اقدامات مؤثر توسط سازمان همکاری اسلامی در جهت توقف قتل‌عام در غزه شد و گفت: «بی‌تردید این دوره با همه مصائبش بر ملت مظلوم فلسطین خواهد گذشت اما چگونگی نقش آفرینی تک‌تک کشورها به‌ویژه ما دولت‌های اسلامی در برخورد با این بحران و نسل‌کشی آشکار، در این نبرد نابرابر بین مظلوم و ظالم و در حمایت از مظلوم و استیفای حقوق آن، در تاریخ ثبت خواهد شد. انتظار به‌جای افکار عمومی از سازمان همکاری اسلامی آن است که در برابر جنایات صهیونیست‌های اشغال‌گر به محکومیت صرف جنایات آن بسنده نکند و با تصویب قطعنامه‌ای مؤثر و کارآمد و انجام اقدامات عینی و مؤثر، کاری کند که به توقف جنایت و خون‌ریزی و قتل‌عام در فلسطین منجر شود.»

او در ادامه گفت: «مواضع و تصمیمات اخیر کابینه و کنست رژیم جعلی صهیونیستی در خصوص مخالفت با تشکیل دولت مستقل فلسطینی نیز به روشنی پرده از چهره و ماهیت کریه این رژیم برداشت و نشان داد که این رژیم از اساس یا هویتی به نام دولت فلسطین مخالف است و جز به ناپودی کامل فلسطین و محو هویت فلسطینی نمی‌اندیشد.»
امیرعبدالهیان تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران بر این باور است



ادامه از صفحه اول

کردند و در مرحلهٔ بعد حتی از احمدی‌نژادی که از تخریب هاشمی ابا نداشت.

با این حال وقتی توانست در مرحلهٔ دوم هاشمی‌رفسنجانی را کنار بزند، راست سنتی ششادکامانه خود را پیروز میدان معرفی کرد چراکه نمادهای چپ سنتی و اصلاح‌طلبان بر کرسی ریاست‌جمهوری ننشسته بودند و فراموش کردند به مهمترین سرمایه خودشان «هاشمی - آسب رسیده و تمام‌قد از احمدی‌نژادی حمایت کردند که دوست داشت خود را فراتر از چپ و راست معرفی کند و جالب اینکه همین امروز امیرحسین ثابتنی هم گفته است: ۱۱ اسفند شبیه‌ترین روز است به سوم تیر ۸۴ تا بدانیم با صراحتی بیشتر از راست سنتی فاصله خواهند گرفت اگر در صحنه مانده باشند.

به یاد آوریم همین محمدرضا باهنر که در انتخابات اخیر از کرمان هم نتوانست رأی بیاورد و اکنون سرخورده به تهران بازگشته.

در همان سال ۸۴ از هیچ تلاشی برای موفقیت احمدی‌نژاد فروگذارد نکرد و به‌گونه‌ای سخن می‌گفت که انکار او احمدی‌نژاد را بر کرسی ریاست‌جمهوری نشاند و به عنوان گواه به سابقهٔ عضویت او در جامعه اسلامی مهندسین و همکاری با هفتمه‌نامهٔ آن (جام) و رایزنی برای شهردار شدن او اشاره می‌کرد.

احمدی‌نژاد البته خیلی زود توی ذوق راست سنتی زد چندان که هر بار که به مراسم شهیدان مؤتلفه در خردادماه دعوت می‌شد پاسخ منفی می‌داد و نمی‌رفت و اندک اندک مؤتلفه‌ای‌ها را کنار گذاشت و به نیروهای خود میدان داد و کاربه جایی رسید که از تحقیر آنان لذت می‌برد. در همین راستا بود که علی لاریجانی را قبل از سفر پوئین به تهران از مسئولیت مذاکرات هسته‌ای کنار گذاشت و به جای او سعید جلیلی را گماشت و بعدتر منوچهر متکی را حین مأموریت در سنگال برکنار کرد به‌گونه‌ای که وزیر خارجهٔ میزبان نمی‌دانست با میهمان خود براساس چه پروتکلی رفتار کند. به دیدار روحانیون سنتی در قم هم که می‌رفت به‌گونه‌ای سخن می‌گفت که انکار «نظر کرده» است تا جایی که در قضیه «هاله نوری» آیت‌الله جوادی‌آملی به او حدیثی را گوش‌زد کرد که در آن توصیه شده به حیوان هم دروغ نگویید!

راست سنتی در سال ۸۸ هم پشت سر احمدی‌نژاد ایستاد چون رقیب او نخست‌وزیر دههٔ ۶۰ بود که وزیران محافظه‌کار را در دولت دوم خود کنار گذاشته بود.